

# مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۲ در راه سانفرانسیسکو خطاب به مسس پارسنز ساکن دوبلین: درباره برخی اصول تعدیل معیشت اقتصادی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۲ در راه سانفرانسیسکو خطاب به  
مسس پارسنز ساکن دوبلین:  
درباره برخی اصول تعدیل معیشت اقتصادی<sup>۱</sup>

(خطابات جلد سوم، ص. ۸۴-۸۸)

هو الله

ای دختر ملکوتی من، در راه آهن رو به سانفرانسیسکو می رویم. به یاد خوی تو افتادم و به یاد روی  
مستر جفری کوچک، لهذا فوراً به تحریر پرداختم. این را بدان که نهایت سرور من وقتی است که آن دختر عزیز  
را ببینم سرگشته و سودائی و مشهور به شیدائی و مفتون جمال الهی و منجذب به نفحات جنت ابهی و مشتعل به

<sup>۱</sup> (لوح مبارک به افتخار) امة الله مسس پارسنز در دبلین علیها بهاء الله الہی



ORIGINAL



AUDIO

نارحبت الله است، چون شمع بسوزد و بگدازد، ولکن به جمع نور بخشد. و امیدم چنانست که چنین گردی.

در خصوص مسئله اقتصادی که به موجب تعالیم جدید است، از برای شما مشکل فکری حاصل شده بود. بیان چنان نبود، ولی روایت چنان گشته. لهذا اساس مسئله را از برای شما بیان می کنم تا واضح و مبرهن شود که این مسئله اقتصادی جز به موجب این تعالیم حلّ تامّ نیابد، بلکه ممتنع و محال. و آن اینست که این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی به اصناف دیگر گردد. زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است، لهذا سزاوار چنان است که از دهقان ابتدا شود و دهقان اول عامل است در هیئت اجتماعیّه. باری در هر قریه ای باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد و همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن، بمعرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقادیری معین بجهت آن مخزن گرفته شود.

این مخزن هفت واردات دارد: واردات عشریه، رسوم حیوانات، مال بی وارث، لقطه یعنی چیزی که یافته شود و صاحب نداشته باشد، دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع به این مخزن است، معادن ثلثش راجع به این مخزن است و تبرّعات. خلاصه هفت مصرف دارد: اول مصارف معتدله عمومی مانند مصارف مخزن و اداره صحت عمومی، ثانی ادای عشر حکومت، ثالث ادای رسوم حیوانات به حکومت، رابع اداره ایتم، خامس اداره اعاشه عجزه، سادس اداره مکتب، سابع اكمال معیشت ضروریّه فقرا.

اول واردات عشر است و آن باید چنین گرفته شود. مثلاً ملاحظه می شود که یک نفر واردات عمومیّه اش پانصد دلار است و مصارف ضروریّه اش پانصد دلار؛ از او چیزی عشر گرفته نمی شود. شخصی دیگر مصارفش پانصد دلار است، ولی وارداتش هزار دلار از او عشر گرفته می شود، زیرا زیاد تر از احتیاجات ضروریّه دارد، اگر عشر بدهد، در معیشتش خللی وارد نگردد. دیگری مصارف او هزار و وارداتش پنج هزار؛ از او یک عشر و نصف گرفته می شود، زیرا اضافه زیاد دارد. شخصی دیگر مصارف لازم اش هزار دلار است ولی وارداتش ده هزار؛ از او دو عشر گرفته می شود. زیرا اضافه زیاد تر دارد. شخصی دیگر مصارف ضروریّه اش چهار یا پنج هزار دلار است، ولی وارداتش صد هزار از او ربع گرفته میشود. دیگری حاصلاتش دوپست دلار است ولی احتیاجات ضروریّه اش که قوت لایموت باشد پانصد دلار و در سعی و جهد قصوری نموده ولی کشتش برکتی نیافته؛ این شخص را باید از مخزن معاونت نمود تا محتاج نماند و براحت زندگانی نماید.

و در هر ده هر قدر ایتم باشد، به جهت اعاشه آنان، از این مخزن باید مقداری تأسیس نمود. از برای عجزه ده باید مقداری تخصیص داد. از برای نفوس از کار افتاده محتاج باید از این مخزن مقداری تخصیص نمود. از برای

اداره معارف مقداری از این مخزن باید تخصیص نمود. و از برای صحت اهل ده از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود. و اگر چیزی زیاد بماند، آنرا باید نقل به صندوق عمومی ملت به جهت مصارف عمومی کرد.

چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هیئت اجتماعی در نهایت راحت و سرور زندگانی نماید و مراتب نیز باقی ماند، در مراتب ابدأ خللی واقع نگردد، زیرا مراتب از لوازم ضروری هیئت اجتماعی است. هیئت اجتماعی مانند اردوئی است. در اردو مارشال لازم، جنرال لازم، کلنل لازم، کاپیتان لازم و نفر لازم. ممکن نیست که کل صنف واحد باشد. حفظ مراتب لازم است، ولی هر فردی از افراد اردو باید در نهایت راحت و آسایش زندگانی نماید. و همچنین شهر را والی لازم، قاضی لازم، تاجر لازم، غنی لازم، اصناف لازم، زراع لازم است. البته این مراتب باید حفظ شود، و الا انتظام عمومی مختل گردد.

به جناب مستر پارسنز نهایت اشتیاق و محبت ابلاغ دارید. هرگز او را فراموش ننمایم و اگر ممکن باشد این نامه را در یکی از جرائد نشر نمائید، زیرا دیگران بنام خویش این قانون را اعلان می نمایند. و به قدسیه تکبیر ابدع ابهی ابلاغ دارید. و علیک البهاء ابهی ع ع

